

بررسی نابرابری در آموزش و پرورش دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی^۱

محمد حسینی^۲، مریم سامری^{۳*}، میرمحمد سیدعباسزاده^۴، میرنجف موسوی^۵

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نابرابری در آموزش و پرورش دختران و پسران مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی با استفاده از شاخص‌های زمینه، فضا، منابع انسانی، پوشش تحصیلی، فرایند آموزش، برونداد شناختی (واسطه‌ای)، برونداد غیرشناختی (نهایی) به صورت مقایسه‌ای انجام گرفت. پژوهش حاضر از نوع اسنادی و پیمایشی است و اطلاعات ضروری از طریق مراجعه به اسناد و منابع آماری موجود در سازمان آموزش و پرورش استان و توزیع پرسشنامه بین دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌های پژوهش بین نمونه‌ای با حجم ۸۱۵ نفر دانش‌آموز (۴۱۹ پسر و ۳۹۶ دختر) با نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی توزیع شد. روایی پرسشنامه‌ها با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه شاخص‌های زمینه‌ای، به جز نابرابری در حساسیت آموزشی والدین، در بقیه متغیرها بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد. در زمینه شاخص‌های فضا، نیروی انسانی و پوشش تحصیلی بین دختران و پسران نابرابری وجود دارد. درباره نابرابری در شاخص فرایند آموزش، به جز احساس دانش‌آموز درباره رفتار عادلانه بین دختران و پسران، تفاوت معناداری وجود ندارد. درباره نابرابری در پیشرفت تحصیلی، درصد قبولی دختران در کنکور، و متغیرهای رشد اعتقادی و انگیزش نسبت به مدرسه، عملکرد دختران بهتر از پسران است.

کلیدواژگان

استان آذربایجان غربی، جنسیت، شاخص‌های آموزشی، نابرابری آموزشی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم مریم سامری با عنوان «مدلسازی کاهش نابرابری‌های آموزشی مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی به منظور نیل به توسعه پایدار آموزشی» است.
 ۲. دانشیار مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه
 ۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه
 ۴. استاد مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه
 ۵. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه ارومیه
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۵

mhs_105@yahoo.com

razavi77@yahoo.com

m.abbaszadeh@urmia.ac.ir

mousavi424@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، اهمیت آموزش و پرورش و ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. افراد جامعه توجه ویژه‌ای به آموزش و پرورش و مدارس دارند، زیرا آینده جامعه و فرزندانشان به آموزش و پرورش بستگی دارد [۲۶، ص ۲۴]. به همین دلیل، همه کشورهای ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان به منظور دسترسی یکسان به آموزش را در سرلوحه سیاست‌های خود قرار می‌دهند [۵، ص ۷۱].

امروزه، نقش زنان و دختران در فرایند توسعه، و به‌ویژه توسعه پایدار، به‌خوبی شناخته شده است. از این رو، بهبود وضعیت زنان جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه‌ای است [۸، ص ۴۷]. بررسی مقایسه‌ای کشورهای نشان می‌دهد کشورهایی که در آموزش دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند نرخ رشد اقتصادی بالاتری دارند [۹، ص ۷]. اما آمارها بیانگر این است که در هیچ جامعه‌ای با زنان و مردان به‌طور یکسان و برابر رفتار نمی‌شود [۶، ص ۸] و هنوز هم شکاف جنسیتی در بی‌سوادی زنان و دختران در اکثر کشورها، به‌خصوص کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به چشم می‌خورد [۲۷، ص ۵].

نتایج پژوهش‌های انجام‌یافته درباره نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش نیز در واقع نمایانگر وجود نابرابری آموزشی در جوامع مختلف است. برای مثال، گزارش منتشرشده یونسکو حاکی از آن است که از هر سه کودک مدرسه‌نرفته دو نفر دخترند [۵، ص ۸۲]. در سطح بین‌الملل، در دهه ۱۹۹۰، حدود ۹۶۰ میلیون بی‌سوادی در دنیا وجود داشت که دوسوم آنان زن بودند. اختلاف در ثبت‌نام دختران و پسران به‌خصوص در افریقا، آسیای جنوبی، و خاورمیانه بیشتر است و در برخی کشورها، میزان باسوادی زنان بالای ۱۵ سال کمتر از ۳۰ درصد است [۶، ص ۲۱]. طبق بررسی استرم کوئیست^۱ (۱۹۹۰)، از ۱۵۴ میلیون نوسوادی در جهان، بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۵، ۱۳۳ میلیون یا ۸۶/۴ درصد زن بوده‌اند. زنان یک‌سوم نیروی کار رسمی دریافت‌کننده مزد را در جهان تشکیل می‌دهند، تقریباً نیمی از غذای جهان را تولید می‌کنند، و غالب کار خانگی جهان و بیشتر مراقبت‌های بهداشتی را انجام می‌دهند. با وجود این، در بسیاری از کشورها زنان نمی‌توانند مالک زمین باشند و از مشارکت سیاسی برابر برخوردار نیستند [۱۶، ص ۴۵]. در سال ۲۰۰۰، در سطح بین‌الملل، درصد باسوادی زنان ۴۹/۵ بوده است که در سال ۲۰۱۰ به ۶۱/۵ درصد رسیده است. نابرابری در دستیابی زنان به آموزش عالی در سطح جهانی به‌مراتب بیشتر است. در سال ۲۰۰۱، درصد زنان راه‌یافته به آموزش عالی فقط ۲۴/۳ درصد بود [۲۰، ص ۵]. در گزارش جهانی پایش «آموزش برای همه» آمده است:

در سال ۲۰۰۶، از ۱۷۶ کشوری که دارای داده‌های قابل مقایسه و محاسبه بودند، ۵۹ کشور در آموزش ابتدایی و متوسطه به برابری جنسیتی رسیده‌اند. این رقم نسبت به سال ۱۹۹۹، ۲۰ کشور بیشتر است. در سطح آموزش ابتدایی، دو سوم کشورها به برابری جنسیتی دست یافته‌اند. بیش از نیمی از کشورهای صحرای افریقا، جنوب و غرب آسیا و کشورهای عربی به هدف نرسیده‌اند. فقط ۳۷ درصد از کشورها در سطح جهانی به برابری جنسیتی دوره متوسطه دست یافته‌اند. در سطح جهانی روند معین و مشخصی برای ثبت افزون‌تر زنان نسبت به مردان در دوره سوم آموزش، به‌ویژه در بیشتر نواحی توسعه‌یافته و کارائیب و اقیانوسیه، وجود دارد. فقر و سایر اشکال محرومیت اجتماعی سبب افزایش نابرابری‌های جنسیتی می‌شود. دختران خانواده‌های فقیر چهار برابر کمتر از دختران خانواده‌های غنی وارد دوره آموزش ابتدایی می‌شوند و این نسبت در دوره متوسطه به هشت برابر می‌رسد. آن‌گاه که دختران در مدرسه هستند، باز هم با موانعی روبه‌رو می‌شوند، از زمره این موانع می‌توان به نگرش منفی معلمان و کتاب‌های درسی جنسیت‌محور، که کلیشه منفی نسبت به زنان را ترویج می‌کنند، اشاره کرد. عوامل درون‌مدرسه‌ای در تعامل با سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌تری در نشان‌دادن نگرش مربوط به جنسیت دارند [۱۳، ص ۱۶].

کاهش شکاف جنسیتی یکی از شاخص‌های مهم تعیین‌کننده وضعیت جامعه از نظر سطح توسعه و پیشرفت است [۹، ص ۶]. براساس اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت و بدون توجه به جنسیت تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند. همچنین در قانون برنامه سوم و چهارم توسعه به‌وضوح بر فراهم کردن دسترسی برابر دختران و پسران به آموزش برابر و باکیفیت تدابیری اندیشیده شده است. در قانون برنامه پنجم توسعه نیز بر تأمین آموزش‌های مورد نیاز متناسب با نقش دختران و پسران و افزایش دسترسی به آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی تأکید شده است [۲]. در این زمینه، مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی مأموریت دارند ضمن بررسی راهکارهای مختلف و کشف نقاط قوت و ضعف خود، مدارس و مراکز تعلیم و تربیت را از نظر کمی و کیفی توسعه دهند و امکان افزایش ارائه خدمات علمی-آموزشی و فرصت آموزش برابر را برای دختران و پسران فراهم آورند. در این زمینه، هدف از این پژوهش بررسی وضعیت آموزشی دختران و شناخت زمینه‌های نابرابری آموزشی در استان آذربایجان غربی و درنهایت بیان راهکارها و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت آموزشی دختران است. امید است این کار گامی در جلب توجه برنامه‌ریزان و مدیران آموزشی به اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌هایی جهت رفع کمبودها و نابرابری‌های آموزشی در تحصیل دختران باشد.

مبانی نظری

مفهوم نابرابری آموزشی

هدف غایی همه سیستم‌های آموزشی فراهم کردن امکان مساوی برای دستیابی همه افراد

لازم‌التعلیم جامعه به فرصت‌های آموزشی مطلوب نظیر فرصت ورود به نظام آموزش و دسترسی به منابع و دروندادهای نظام آموزشی، همانند معلم متخصص، فضا و تجهیزات آموزشی، و نیز برخورداری از عملکرد مطلوب آموزش همچون نرخ گذر، نرخ ارتقا، و... است و منظور از فرصت‌های آموزشی برابر، برخورداری برابر و داشتن فرصت مساوی برای کلیه افراد لازم‌التعلیم برای ورود به نظام آموزشی و برخورداری از کلاس و برنامه‌های آموزشی مطلوب، معلمان متخصص، امکانات و تجهیزات آموزشی، و نیز فضای مناسب آموزشی است. با توجه به این امر، می‌توان مسئله نابرابری‌های آموزشی را از دیدگاه‌های زیر بررسی کرد:

۱. زمینه خانوادگی دانش‌آموزان نظیر سرمایه فرهنگی، انتظارها، آرزوها و ادراکات، و...؛
 ۲. فرصت ورود به نظام آموزشی، نظیر نرخ ثبت‌نام و نرخ واقعی پوشش تحصیلی [۴، ص ۱۰۸]؛

۳. برخورداری از منابعی که به‌منزله درونداد در اختیار نظام آموزشی قرار می‌گیرد، نظیر نرخ تراکم دانش‌آموزی، تراکم کلاسی و نیروی انسانی متخصص، و...؛

۴. فرایند آموزش که شامل سازمان‌دهی مدرسه در توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های تحصیلی مختلف و برخورد متفاوت کادر مدرسه با دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس درس می‌شود [۲۱، ص ۷۲]؛

۵. عملکرد یا برون‌داد نظام آموزشی که به دو قسمت تقسیم می‌شود: برون‌داد واسطه‌ای مانند پیشرفت تحصیلی که تغییر در ساختارهای شناختی فرد یا سطح دانش او را موجب می‌شود و دیگری برون‌داد نهایی (غیرشناختی) مانند نتایج و پیامدهای طولانی‌مدت و تغییر در نگرش و انگیزه‌های فرد. بررسی پژوهش‌های مربوط به عملکرد مدارس و نابرابری‌های آموزشی نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها اهمیت برون‌دادهای غیرشناختی نادیده گرفته می‌شود. مهارت‌های غیرشناختی نقش مهمی در تغییر زندگی یک فرد ایفا می‌کند [۳۰، ص ۱] و از آموزش و پرورش انتظار می‌رود علاوه بر آموزش موضوعات درسی در شکل‌گیری نگرش‌ها، اعتقادات و ارزش‌های مطلوب در کودکان به‌عنوان آینده‌سازان یک جامعه نقش بسزایی ایفا کند [۱۹].

دیدگاه‌های مربوط به آموزش دختران

درباره آموزش دختران دیدگاه‌های زیادی مطرح شده است که در مجموع می‌توان آن‌ها را در سه دیدگاه دسته‌بندی کرد: ۱. دیدگاه کلاسیک (برتری پسر به دختر در آموزش)، ۲. دیدگاه برابر اما متفاوت، ۳. دیدگاه فمینیستی (برابری کامل مرد و زن در آموزش) [۵، ص ۷۵]. از دیدگاه کلاسیک، آموزش مدرسه‌ای برای دختران جایگاه خاصی ندارد. این بینش جنس‌مذکر را برتر می‌داند و آموزش پسران را بر دختران اولویت می‌دهد. دیدگاه دوم، آموزش دختران را به دلیل تأثیر بسزای آن در بهداشت خانواده و تعلیم و تربیت کودکان امری ضروری می‌داند، اما

تحت تأثیر باورهای کلیشه‌ای جنسیتی آموزش متفاوتی را برای دختران پیشنهاد می‌کند [۵، ص ۷۶]. جوهره اصلی دیدگاه فمینیسم، توضیح ریشه‌های ستم بر زنان و راه‌های رفع آن است [۱۴، ص ۲۱۶]. جامعه‌شناسان فمینیست با استفاده از کاربرد انتقادی جنسیت در آموزش، شیوه‌هایی را که در جهت تبعیض جنسیتی وارد سیستم‌های آموزشی شده است نشان داده‌اند [۸، ص ۶۲]. فمینیست‌ها به حق برابر مرد و زن در همهٔ زوایای زندگی اجتماعی از جمله آموزش معتقدند.

اما در این میان متفکران اسلامی با تأکید بر برابری زن و مرد در انسانیت و ارزشمندی، بر تفاوت‌های طبیعی آن دو نیز تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند تفاوت‌های تکوینی هیچ‌یک از دو جنس را در موضع نقص یا کمال قرار نمی‌دهد، اما از آنجا که طبیعت زن و مرد را برای میدان‌های متفاوتی مستعد کرده است، تشابه نقش‌ها تأییدپذیر نیست. اسلام، به لحاظ جنسیت و حقوق انسانی، برابری کامل بین زن و مرد برقرار کرده است و اگر برتری برای یکی بر دیگری قرار داده، فقط به استعدادهای طبیعی مربوط است که بر حقیقت وضع انسانی دو جنس تأثیر نمی‌گذارد. به این ترتیب، هر جا که این دو به لحاظ استعداد، خصلت، و مسئولیت برابر باشند، حقوق برابر دارند و هر جا که تفاوت داشته باشند، به تناسب، شأنی متفاوت می‌بایند [۱۲، ص ۱۲۷]. در دین مقدس اسلام، به نقش زنان در جامعه و رعایت حقوق برابر آن‌ها تأکید فراوان شده و کسب علم و دانش بر هر مرد و زنی واجب شمرده شده است.

شاخص‌ها

شاخص‌ها ارقامی هستند که برای اندازه‌گیری و سنجش نوسان‌های عوامل متغیر در طول زمان به کار می‌رود. شاخص‌ها ویژگی‌های جامعه را با استفاده از اندازه‌های تمایل مرکزی یا واریانس-برای مثال میانگین، نسبت، درصد، احتمال یا پارامترهای آماری دیگر- توصیف می‌کنند [۲۳، ص ۷]. به عبارت دیگر، با تبدیل متغیرها به سرانه‌ها، نسبت‌های مختلف، درصدها، و... می‌توان به شاخص‌سازی متغیرها اقدام کرد. شاخص‌های آموزشی ابزار سودمندی در تحلیل مشکلات آموزشی و شکل‌گیری سیاست‌های آموزشی است [۲۴، ص ۲]. استفاده از شاخص‌ها برای اندازه‌گیری نابرابری سابقه‌ای چندین‌ساله دارد؛ مانند، پروژه INES (پروژه شاخص‌های آموزشی) در اواخر دههٔ ۸۰ و تکمیل و بهبود این پروژه در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸، پروژه WEI^۱ در سال ۱۹۹۷ [۲۴، ص ۸]، نشانگرهای آموزشی بین‌المللی O.E.C.D که باتانی^۲ (۱۹۹۶) (۱۹۹۶) تدوین کرد [۱۸]، پروژه EIRP^۳ (۲۰۰۱) که یونسکو برای ابداع شاخص‌های آموزشی

1. World Education Indicator
2. Bottani
3. Educational Indicators Regional Project

اجرا کرده است [۲۴]، پروژه GERESE^۱ (۲۰۰۵) [۲۲]، و گزارش‌های تفصیلی درباره شاخص‌های آموزش و پرورش مربوط به «مرکز ملی آمارهای آموزشی» در دپارتمان آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا [۲۵].

پیشینه پژوهش

درباره موضوع پژوهش در ایران، عزیززاده (۱۳۶۵) در بررسی نابرابری آموزشی در کل استان‌های کشور به این نتیجه می‌رسد که نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی در همه دوره‌های تحصیلی برای دختران بیش از پسران است. درباره توزیع فرصت‌های آموزشی دختران بین استان‌ها از دوره راهنمایی به متوسطه عمومی نابرابری افزایش یافته است، اما از دوره عمومی به دوره دانشگاهی میزان نابرابری تقریباً ثابت می‌ماند [۱۰]. داش‌خانه (۱۳۸۰) در بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری‌های آموزشی در شش استان کهگیلویه و بویراحمد، فارس، کردستان، اصفهان، ایلام، و سیستان و بلوچستان مطرح کرد که در دوره ابتدایی در زمینه دستیابی به فرصت‌های آموزشی نابرابری برای دختران بیش از پسران است و در دوره آموزش عمومی بین دختران و پسران در زمینه دستیابی برابر به فرصت‌های آموزشی و نوع منطقه تفاوت وجود دارد [۷].

چابکی (۱۳۸۲) در بررسی خود درباره نابرابری آموزشی، در بازه زمانی پنج سال تحصیلی، به این نتیجه رسید که در کل کشور تعداد دانش‌آموزان دختر کمتر از پسران است؛ اگرچه در طی پنج سال این فاصله به تدریج کاهش یافته است [۵]. نبی‌زاده سرابندی (۱۳۸۴) در پژوهش خود، در استان سیستان و بلوچستان، به این نتیجه رسید که در این استان بین دختران و پسران نابرابری وجود دارد [۱۷]. سرخ (۱۳۸۶) در پژوهش خود در استان آذربایجان غربی به این نتیجه رسید که در هیچ‌یک از مناطق آموزشی، دختران و پسران لازم‌التعلیم به‌طور مساوی و متناسب با سهم جمعیتی خود تحت پوشش آموزش دوره ابتدایی قرار نگرفته‌اند [۴]. آتشک (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی عدالت جنسیتی در ایران» به این نتیجه رسیده است که در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی در آموزش حاصل شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه، و آموزش عالی، بی‌عدالتی به ضرر دختران و فقط در دوره پیش‌دانشگاهی بی‌عدالتی به ضرر پسران وجود دارد [۲]. همچنین نتایج پژوهش آتشک (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱) و عزیززاده (۱۳۶۵) نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی در دسترسی به آموزش در پایه‌های تحصیلی بالاتر بیشتر است و در همه مقاطع تحصیلی، دختران عملکرد تحصیلی بهتر و ماندگاری بیشتری در نظام آموزشی داشته‌اند [۱].

در باره نابرابری جنسی در سطح بین‌الملل، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در نوزده کشور در حال توسعه شکاف جنسیتی بالایی در ثبت نام مدارس وجود دارد. این کشورها شامل ده کشور در صحرای سفلی آفریقا، چهار کشور در آسیای جنوبی، و چهار کشور در جهان عرب و یمن است [۵]. زنگ و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش چین به این نتیجه می‌رسند که هرچند در دهه ۱۹۸۰ شکاف جنسیتی عظیمی در دسترسی به آموزش بین دختران و پسران وجود داشت، در سه دهه گذشته وضعیت نابرابری آموزشی براساس جنسیت رو به بهبود است [۳۱]. گزارش یونیسف در سال ۲۰۱۲ درباره نابرابری آموزشی بین دختران و پسران کشورهای مختلف از وجود نابرابری آموزشی بین دختران و پسران حاکی است، اما در این گزارش مطرح شده است که در همه کشورهای یونیسف در جهت کاهش نابرابری جنسیتی مداخلاتی انجام داده است میزان نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش رو به کاهش است [۲۸].

جدول ۱. شاخص‌های نابرابری در آموزش و پرورش

شاخص‌ها	منبع نابرابری
۱. میانگین آرزوی تحصیلی دانش‌آموز، ۲. میانگین آرزو و انتظارات تحصیلی والدین، ۳. میانگین حساسیت تحصیلی والدین، ۴. میانگین منابع فرهنگی و سرمایه فرهنگی	زمینه‌ای
۱. نسبت مدرسه به دانش‌آموز، ۲. تراکم کلاسی	فضا
۱. نسبت معلم به ۱۰۰ دانش‌آموز، ۲. نسبت مدیر به تعداد صد دانش‌آموز، ۳. نسبت معلم فوق‌لیسانس و دکتری به تعداد ۱۰۰۰ دانش‌آموز، ۴. نسبت مدیر فوق‌لیسانس و دکتری به ۱۰۰۰ دانش‌آموز	منابع انسانی
نرخ ناخالص ثبت نام	پوشش تحصیلی
۱. میانگین ادراک دانش‌آموز از حمایت از طرف کادر مدرسه، ۲. میانگین ادراک دانش‌آموز از جو انضباطی مدرسه، ۳. میانگین ادراک دانش‌آموز از رفتار عادلانه، ۴. میانگین ارتباط با کادر مدرسه	شاخص‌های فرایندی آموزش (جو)
۱. معدل کتبی دروس نهایی سال سوم متوسطه نظری، ۲. درصد قبولی در کنکور ریاضی، ۳. درصد قبولی در کنکور تجربی، ۴. درصد قبولی در کنکور انسانی، ۵. درصد قبولی در کنکور زبان، ۶. درصد قبولی در کنکور هنر	برونداد واسطه‌ای
۱. میانگین انگیزش نسبت به مدرسه، ۲. میانگین تعلق به مدرسه، ۳. میانگین مفهوم خودتحصیلی، ۴. میانگین مشارکت سیاسی اجتماعی دانش‌آموزان، ۵. میانگین رشد اعتقادی دانش‌آموزان	برونداد نهایی

با مرور و جمع‌بندی مبانی نظری مربوط به نابرابری آموزشی و با تأکید بر حق برابر مرد و زن در آموزش و پرورش و نتایج آن، با بررسی نتایج پژوهش‌های انجام‌یافته در این باره، پژوهش حاضر وجود نابرابری آموزشی بین دختران و پسران مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی را فرض می‌گیرد و با استفاده از نتایج مطالعات (NCES(2000، GERESE(2005، هاتمیچر (۲۰۰۱)، لوزانو (۲۰۰۱)، نبی‌زاده (۱۳۸۴)، اسماعیل سرخ (۱۳۸۶)، آهنچیان (۱۳۸۶)، و آتشک (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱) هفت دسته شاخص با عناوین شاخص‌های زمینه، فضا، منابع انسانی، پوشش تحصیلی، فرایند آموزش، برون‌داد واسطه‌ای، و برون‌داد نهایی تدوین شده‌اند که برای بررسی نابرابری آموزشی به صورت مقایسه‌ای بین دختران و پسران استفاده شده است. جدول ۱ شاخص‌های نابرابری در آموزش و پرورش دانش‌آموزان دختر و پسر را نشان می‌دهد.

سؤال اصلی

آیا بین دختران و پسران مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی نابرابری آموزشی وجود دارد؟

سؤالات فرعی

۱. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های زمینه نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟
۲. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های فضا، نیروی انسانی، و پوشش تحصیلی نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟
۳. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های فرایندی آموزش و جو مدرسه و کلاس درس نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟
۴. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های نتایج برون‌دادهای واسطه‌ای (شناختی) نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟
۵. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های برون‌دادهای نهایی (غیرشناختی) نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات توصیفی، تحلیلی، و پیمایشی است که به شیوه اسنادی و پرسشنامه انجام شد. با توجه به اینکه در این پژوهش اطلاعات ضروری از دو شیوه مراجعه به اسناد و پرسشنامه جمع‌آوری شده، این پژوهش دو جامعه آماری دارد. در جمع‌آوری داده‌های اسنادی جامعه تحقیق، آمار و اطلاعات و اسناد و سوابق تحصیلی دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی در

سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ است که از سازمان آموزش و پرورش استان دریافت شده است. برای جمع‌آوری بخشی از اطلاعات ضروری پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که جامعه آماری پژوهش برای توزیع پرسشنامه کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی مناطق ۲۴ گانه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی است که با استفاده از فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی تعداد ۸۱۵ نفر (۴۱۹ پسر و ۳۹۶ دختر) برای نمونه انتخاب شدند. در تهیه پرسشنامه، از پرسشنامه استفاده‌شده در تحقیق پیرا (۲۰۰۳)، پرسشنامه رشد اعتقادی معنوی‌پور و پاشا شریفی (۱۳۸۳)، و پرسشنامه ون دام و همکاران (۲۰۰۲) استفاده شده است [۱۵؛ ۲۹].

در این پژوهش، سرمایه فرهنگی با ۶ گویه، آرزوی تحصیلی با ۴ گویه، آرزو و انتظارهای تحصیلی والدین با ۴ گویه، حساسیت تحصیلی والدین با ۳ گویه، احساس دانش‌آموز درباره رفتار با عدل و انصاف با ۵ گویه، ادراک دانش‌آموز درباره رفتار حمایتی معلم با ۴ گویه، ارتباط با کادر مدرسه با ۴ گویه، جو انضباطی کلاس و مدرسه با ۴ گویه، انتظارهای سطح بالا درباره پیشرفت دانش‌آموز از سوی کادر مدرسه با ۴ گویه، انگیزش نسبت به مدرسه با ۴ گویه، مفهوم خودتحصیلی با ۴ گویه، رشد اعتقادی با ۶ گویه، تعلق به مدرسه با ۵ گویه، و مشارکت اجتماعی-سیاسی با ۳ گویه اندازه‌گیری شد. روایی صوری پرسشنامه با تأیید تنی چند از استادان علوم تربیتی محرز و روایی سازه آن از طریق تحلیل عاملی تأیید شد. این تحلیل به شیوه تحلیل اکتشافی^۱ به روش مؤلفه‌های اصلی^۲ (PC) با چرخش واریماکس انجام شده است. مقدار ضریب KMO (ضریب کفایت نمونه‌گیری) برابر با ۰/۸۹ و مقدار خی آزمون کرویت بارتلت ۴۴۷۲/۹ به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود و نشانه کفایت نمونه و متغیرهای نمونه برای انجام دادن تحلیل عاملی است. معیار حذف یا تأیید گویه‌ها داشتن بار عاملی بیشتر از ۰/۵۰ در نظر گرفته شد و گویه‌های با بارهای عاملی کمتر از ۰/۰۵ در تحلیل نهایی حذف شدند. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۷ برآورد شده است که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار است. اطلاعات حاصل از مطالعه اسناد و توزیع پرسشنامه با استفاده از فرمول‌های برنامه‌ریزی آموزشی به شاخص‌های نابرابری تبدیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آزمون t مستقل استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS20 و Excel انجام شد.

1. exploratory factor analysis
2. principle components

یافته‌ها

الف) توصیفی

نمونه آماری پژوهش شامل ۸۱۵ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی است که متناسب با جامعه آماری ۳۹۶ نفر (معادل ۴۸/۶ درصد) دختر و ۴۱۹ نفر (معادل ۵۱/۴ درصد) دانش‌آموز پسر بوده‌اند. میانگین سنی نمونه آماری ۱۶ سال است. تحصیلات بیشتر والدین دانش‌آموزان (پدر یا مادر) در حد راهنمایی است، ۸۰/۵ درصد دانش‌آموزان در منزل شخصی ساکن‌اند، ۹۲ درصد از آن‌ها به همراه پدر و مادر خود زندگی می‌کنند، شغل بیشتر مادران دانش‌آموزان خانه‌داری و شغل پدران آن‌ها آزاد است، و بیشتر دانش‌آموزان به طبقه متوسط اجتماعی-اقتصادی استان تعلق دارند.

ب) سؤالات

سؤال ۱. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های زمینه‌ای نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟ برای بررسی این پرسش از میانگین آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان، میانگین آرزوها و انتظارات تحصیلی والدین، میانگین منابع فرهنگی در اختیار دانش‌آموز، و حساسیت آموزشی والدین دانش‌آموزان به صورت مقایسه‌ای بین دختران و پسران استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، در سه شاخص آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان، منابع فرهنگی و حساسیت آموزشی والدین تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نمی‌شود، زیرا سطح معناداری مربوط به این سه شاخص بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($\text{sign} > 0.05$). اما در شاخص انتظارات و آرزوهای تحصیلی والدین با توجه به سطح معناداری (۰/۰۴) کوچک‌تر از ۰/۰۵ بین دختران و پسران نابرابری وجود دارد. یعنی انتظارات و آرزوهای تحصیلی والدین دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر است ($\text{sign} < 0.05$).

سؤال ۲. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های فضا، منابع انسانی، و پوشش تحصیلی نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟

همان‌طور که از مقدار محاسبه‌شده شاخص‌ها در جدول ۳ مشاهده می‌شود، درباره شاخص‌های فضا، دختران در مقایسه با پسران از فضای مدرسه‌ای و کلاسی بیشتری بهره می‌گیرند. درباره شاخص‌های نیروی انسانی هرچند در نسبت معلم به دانش‌آموز و نسبت مدیر به دانش‌آموز دختران وضعیت بهتری دارند، در برخورداری از نیروی انسانی متخصص و با تحصیلات بالاتر (فوق لیسانس و دکتری) بین دختران و پسران نابرابری وجود دارد و پسران وضعیت بهتری دارند و میزان این تفاوت نیز در مقایسه با تفاوت در شاخص‌های دیگر بیشتر است. در زمینه پوشش تحصیلی نیز، نرخ ناخالص ثبت‌نام پسران بیشتر از دختران است.

جدول ۳. شاخص‌های فضا، منابع انسانی، و پوشش تحصیلی

شاخص	مقدار
فضا	نسبت مدرسه دخترانه به ۱۰۰ دانش‌آموز دختر
	نسبت مدرسه پسرانه به ۱۰۰ دانش‌آموز پسر
	تراکم کلاسی دانش‌آموزان دختر
	تراکم کلاسی دانش‌آموزان پسر
منابع انسانی	نسبت معلم زن به ۱۰۰ دانش‌آموز دختر
	نسبت معلم مرد به ۱۰۰ دانش‌آموز پسر
	نسبت معلم زن فوق‌لیسانس و دکتری به ۱۰۰۰ دانش‌آموز دختر
	نسبت معلم مرد فوق‌لیسانس و دکتری به ۱۰۰۰ دانش‌آموز پسر
	نسبت مدیر زن به ۱۰۰۰ دانش‌آموز دختر
	نسبت مدیر مرد به ۱۰۰۰ دانش‌آموز پسر
	نسبت مدیر زن فوق‌لیسانس و دکتری به ۱۰۰۰ دانش‌آموز دختر
	نسبت مدیر مرد فوق‌لیسانس و دکتری به ۱۰۰۰ دانش‌آموز پسر
پوشش تحصیلی	نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران
	نرخ ثبت‌نام ناخالص پسران

سؤال ۳. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های فرایندی آموزش و جو مدرسه و کلاس درس نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟

برای بررسی شاخص‌های فرایند آموزش و جو مدرسه و کلاس درس از متغیرهای ادراک دانش‌آموز از جو انضباطی کلاس و مدرسه، ارتباط با کادر مدرسه، ادراک دانش‌آموز درباره رفتار حمایتی معلم و احساس دانش‌آموز درباره رفتار با عدل و انصاف به صورت مقایسه‌ای بین دختران و پسران استفاده شد که نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه در جدول ۵ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، به غیر از متغیر احساس دانش‌آموز درباره رفتار با عدل و انصاف، در بقیه متغیرها تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نمی‌شود، زیرا سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($\text{sig} > 0.05$).

سؤال ۴. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های برون‌دادی شناختی (دانشی) نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟

برای بررسی این فرضیه از معدل کتبی دانش‌آموزان سال اول، دوم، و سوم متوسطه نظری و دوره پیش‌دانشگاهی و درصد قبولی در کنکور به تفکیک رشته‌های ریاضی، تجربی، انسانی،

هنر، و زبان استفاده شد. بررسی میانگین نمرات دانش‌آموزان مناطق استان نشان می‌دهد که این میانگین برای دختران ۱۴/۷۵ و برای پسران ۱۴ است. همچنین درصد قبولی در کنکور و ورود به آموزش عالی در جدول ۴ ارائه شده است که بیانگر عملکرد بهتر دختران در مقایسه با پسران است.

جدول ۴. درصد قبولی در کنکور به تفکیک رشته تحصیلی و جنسیت

رشته تحصیلی	درصد قبولی دختران	درصد قبولی پسران	درصد قبولی استان
ریاضی	۷۲٫۳	۷۱٫۳	۷۱٫۸
تجربی	۵۰٫۷	۵۰٫۱	۵۰٫۴
انسانی	۷۹٫۲	۷۹٫۱	۷۹٫۱۵
هنر	۲۴٫۲	۱۴٫۴	۱۹٫۳
زبان	۲۴٫۶	۱۶٫۹	۲۰٫۷۵
کل	۵۰٫۲	۴۶٫۳۶	۴۸٫۲۸

سؤال ۵. آیا بین دختران و پسران از لحاظ شاخص‌های برون‌داده‌ی غیرشناختی (غیردانشی) نابرابری (تفاوت) وجود دارد؟

برای بررسی این سؤال از متغیرهای رشد اعتقادی، انگیزش به مدرسه، تعلق به مدرسه، مشارکت اجتماعی-سیاسی، و مفهوم خودتحصیلی استفاده شد. نتایج آزمون t مستقل در جدول ۵ نشان می‌دهد که به جز در متغیرهای انگیزش نسبت به مدرسه و رشد اعتقادی تفاوت معناداری بین دختران و پسران وجود ندارد، زیرا سطح معناداری آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($\text{sign} > 0/05$). رشد اعتقادی و انگیزش به مدرسه دختران بیشتر از پسران است ($\text{sign} > 0/05$).

جدول ۵. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین شاخص‌های

برابری آموزش ی بین دختران و پسران

شاخص‌ها	نام شاخص	جنسیت		آزمون t	
		پسر	دختر	آماره t	درجه آزادی
شاخص‌های زمینه	میانگین آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان	۴٫۴۶	۴٫۵۱	۰٫۷۷	۸۱۳
	میانگین آرزو و انتظارهای تحصیلی والدین	۴٫۴۵	۴٫۳۴	۱٫۴۳	۸۱۳
	میانگین سرمایه	۲۶٫۸	۲۵٫۳۶	۱٫۲۸	۸۱۰

بررسی نابرابری در آموزش و پرورش دانش‌آموزان دختر و پسر... ۳۲۷

					فرهنگی در اختیار دانش‌آموز			
۰/۹۷	۸۱۰	۱/۳۹	۸/۴۳	۸/۸۵	میانگین حساسیت تحصیلی (آموزشی) والدین			
۰/۰۳	۸۰۷	-۳/۰۳	۲۲/۵۳	۲۳/۷۷	احساس دانش‌آموز درباره رفتار یا عدل و انصاف	شاخص‌های فرایند		
۰/۱۴	۸۱۱	۰/۲۸	۲۲/۲۷	۲۲/۱۷	ادراک دانش‌آموز درباره رفتار حمایتی معلم			
۰/۷۵	۸۱۳	۲/۳۶	۷/۲۳	۶/۹۰	ارتباط با کادر مدرسه			
۰/۴۴	۸۰۹	۰/۵	۱۷/۳۴	۱۷/۱۳	جو انضباطی کلاس و مدرسه			
۰/۱۳	۸۱۱	۲/۱۲	۲۰/۷	۲۰/۰۲	انتظارها سطح بالا درباره پیشرفت دانش‌آموز از سوی کادر مدرسه			
۰/۰۰۱	۸۱۲	۱/۲۲	۱۳/۹۲	۱۳/۶۵	انگیزش به مدرسه		شاخص‌های برونداد و پیامد	
۰/۴۸	۸۱۳	۱/۱۲	۲۳/۱۳	۲۲/۸	خودفهمی تحصیلی	غیرشناختی		
۰/۰۲۸	۸۰۸	۴/۰۸	۶۳/۲۲	۶۱/۰۶	رشد اعتقادی			
۰/۴۸	۸۱۲	۰/۶۲	۵/۶۶	۵/۱۷	تعلق به مدرسه			
۰/۶	۸۱۲	۰/۲	۱۳/۷۵	۱۳/۸۵	مشارکت اجتماعی- سیاسی			

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی نابرابری آموزشی بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی انجام شد. نتایج پژوهش‌های مختلف در ایران و کشورهای دیگر نشان می‌دهد که بین آموزش و پرورش دختران و پسران نابرابری وجود دارد. با مطالعه مبانی نظری و پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه، سؤالات تحقیق شکل گرفت و برای بررسی این سؤالات با ترکیب و ادغام شاخص‌های استفاده شده برای سنجش نابرابری‌های آموزشی در پژوهش‌های داخلی و خارجی چارچوب شاخص‌ها شکل گرفت و بررسی نابرابری‌های آموزشی براساس جنسیت و مقایسه این شاخص‌ها بین دختران و پسران انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که درباره نابرابری‌های زمینه‌ای، به جز حساسیت تحصیلی بیشتر والدین درباره تحصیل پسران، در بقیه متغیرها بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتیجه را می‌توان با توجه به در نظر گرفتن موانع فرهنگی به منزله یکی از دلایل مؤثر بر تحصیل دختران توجیه کرد. به عبارت دیگر، این یافته نشان می‌دهد که والدین درباره وضعیت تحصیلی پسران حساسیت بیشتری دارند. درباره نابرابری در درون‌دادها، با در نظر گرفتن شاخص‌های فضا، منابع انسانی، و پوشش تحصیلی در نیروی انسانی متخصص (معلم و مدیر با تحصیلات فوق لیسانس و دکتری) نابرابری وجود دارد و دختران در مقایسه با پسران از نیروی انسانی با تحصیلات فوق لیسانس و دکتری کمتری برخوردارند. در نهایت، پوشش تحصیلی ظاهری نشان‌دهنده نابرابری است که این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط همسوست. درباره نابرابری در فرایند، به جز احساس دانش آموز درباره رفتار عادلانه، تفاوت معناداری بین دختران و پسران وجود ندارد. درباره نابرابری در برون‌داد و نتایج، پیشرفت تحصیلی، و درصد قبولی دختران در کنکور عملکرد آموزشی دختران بهتر از پسران است. این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله اسماعیل سرخ (۱۳۸۶)، آتشک (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱)، گزارش «پایش آموزش برای همه» (۱۳۸۸) همسوست [۱؛ ۲؛ ۴؛ ۱۳].

نکته حائز اهمیت این است که بررسی آمارهای ارائه شده از سوی سازمان سنجش آموزش کشور نشان می‌دهد اگرچه درصد قبولی در کنکور دختران بیشتر از پسران است، بررسی رشته‌های قبولی آن‌ها بیانگر این است که در کل کشور و در استان آذربایجان غربی پسران بیشتر در رشته‌های فنی و مهندسی قبول می‌شوند و در مقاطع تحصیلی بالاتر، مانند کارشناسی ارشد و دکتری، درصد قبولی پسران بیشتر از دختران است. مطالعات بین‌المللی مربوط به حوزه جنسیت نشان می‌دهند که پسران بیشتر به سمت رشته‌های فنی، مهندسی، ریاضیات، و تکنولوژی و کامپیوتر و دختران بیشتر به سمت رشته‌های هنر، زبان، و مطالعات اجتماعی هدایت می‌شوند [۱۳؛ ۲۶]. علت این مسئله را می‌توان به وجود کلیشه‌های جنسیتی مبتنی بر انتخاب شغل و شکل‌دهی علایق شغلی دختران و پسران از سوی بزرگ‌ترها و نیز

دشواری زنان در احراز پست‌های تصمیم‌گیری و مسئولیت‌های هم‌ردیف با مردان در حوزه‌های فنی با وجود کسب مدرک تحصیلی یکسان و توانایی برابر با مردان نسبت داد [۸، ص ۶۳] که در حساسیت تحصیلی والدین درباره دانش‌آموزان دختر و آرزوهای تحصیلی والدین درباره فرزندان دختر نیز مصداق دارد. همچنین درباره حضور دختران در مقاطع تحصیلی بالاتر می‌توان مطرح کرد که ازدواج دختران و وظایف خانه‌داری آن‌ها مانع از ادامه تحصیلشان در مقاطع بالاتر می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که از نظر شاخص‌های برون‌دادی غیرشناختی (غیردانشی) به جز در متغیرهای انگیزش به مدرسه و رشد اعتقادی تفاوت معناداری بین دختران و پسران وجود ندارد. رشد اعتقادی و انگیزش به مدرسه دختران بیشتر از پسران است. مروری بر مبانی نظری مربوط به نابرابری‌های آموزشی بین دختران و پسران نشان می‌دهد که یکی از دلایل عمده نابرابری دختران و پسران در دستیابی به آموزش از ساختارهای خانوادگی مردسالاری و نابرابری‌های جنسیتی نهادینه‌شده در سطح اجتماع منشأ می‌گیرد. سیاست‌هایی که هدف آن‌ها بهبود دسترسی زنان به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، اعتبارات مالی، و بازار کار است هزینه‌ها و نیازهای فنی بیشتری را می‌طلبد، اما معمولاً از طرف جامعه راحت‌تر پذیرفته می‌شود. اما تغییراتی که مستلزم دخالت در عقاید سنتی و هنجارهای اجتماعی نهادینه‌شده است، مقاومت بیشتری را می‌طلبد و نیازمند دوره زمانی طولانی‌تری است. اما این به معنای ناتوانی در تغییر وضعیت نیست و تجارب کشورهای مختلفی مانند بلژیک، تونس، و بنگلادش نشان داده است که تغییرات مهمی به نفع زنان و ایجاد برابری در حال وقوع است [۱۲، ص ۱۴].

آموزش و پرورش سنگ زیربنای هر جامعه‌ای است و مقوله‌هایی از قبیل برابری، عدالت، آزادی، فرصت‌های مساوی، حقوق فردی، و نظایر آن فقط از طریق برنامه‌ریزی صحیح آموزش و پرورش تحقق می‌پذیرد. تعیین خط‌مشی‌های آموزشی، چه در سطح سیاست‌گذاری و چه در سطح اجرایی، باید به تأمین عدالت و رعایت حقوق همه افراد منجر شود [۱۱، ص ۲۸]. از این رو، لازم است برنامه‌ریزان و مدیران آموزشی با طراحی برنامه‌های آموزشی دقیق به منظور تخصیص عادلانه منابع و امکانات و تأمین نیروی انسانی متخصص برای آموزش دختران گامی به منظور کم کردن شکاف جنسیتی در آموزش و پرورش بردارند. ایجاد محیط آموزشی مناسب برای هر دو گروه، دختران و پسران، از طریق تخصیص و توزیع مناسب امکانات و تجهیزات می‌تواند در رفع تبعیض مفید واقع شود. همچنین دولت می‌تواند برابری جنسیتی را در آموزش از طریق قانونگذاری، اصلاحات سیاسی، توزیع مجدد منابع، و ایجاد امکانات برای تحصیل زنان فراهم کند تا در آینده بتواند از نیروی بالقوه فکری و کاری نیمی از جمعیت کشور در جهت رشد اجتماعی و سیاسی و توسعه‌یافتگی ایران اسلامی بهره جوید.

منابع

- [۱] آتشک، محمد (۱۳۸۸). «بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش (پایه‌های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور)»، *مطالعات راهبردی زنان* (کتاب زنان)، س ۱۱، ش ۴۴، ص ۷۳-۱۱۰.
- [۲] _____ (۱۳۹۱). «ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران»، *نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۱۰، ش ۴، ص ۱۲۷-۱۵۱.
- [۳] آهنگیان، محمدرضا (۱۳۸۶). «فرصت‌های آموزشی و نابرابری‌های منطقه‌ای در مدارس مناطق مرزی و غیرمرزی استان خراسان رضوی»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره ۳، ش ۴، ص ۲۷-۴۴.
- [۴] اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶). «نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱)»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، س ۲۳، ش ۳.
- [۵] چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۲). «آموزش و جنسیت در ایران»، *مجله مطالعات زنان*، س اول، ش ۲، ص ۷۰-۱۰۰.
- [۶] دادورخانی، فضیله (۱۳۸۹). «چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری‌های جنسی در جهان»، *نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۸، ش ۳، ص ۷-۳۰.
- [۷] داش‌خانه، فاطمه (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، س ۱۷، ش ۴، ص ۴۵-۸۴.
- [۸] زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۶). «تحلیل رابطه آموزش و پرورش و نابرابری جنسیتی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۹۱، ص ۷۰-۵۵.
- [۹] صادقی فسائی، سهیلا؛ کلهر، سمیرا (۱۳۸۶). «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه»، *نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۵، ش ۲، ص ۲۸-۵.
- [۱۰] عزیززاده، هادی (۱۳۶۵). «بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۶»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، س ۴، ش ۳ و ۴.
- [۱۱] فیوضات، یحیی (۱۳۸۴). *مبانی برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران: ویرایش.

- [۱۲] کلاتری، عبدالحسین؛ فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). «فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره نابرابری جنسی»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، ش اول، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- [۱۳] گزارش جهانی پیش‌آموزش برای همه ۲۰۰۹: چرایی اهمیت شیوه مدیریت (۱۳۸۸) یونسکو، دفتر پاریس، مترجم: دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران.
- [۱۴] ماری-کلرلو (۱۳۸۳). «حقوق و تفاوت‌های جنسی از دیدگاه نظریه‌های فمینیستی»، ترجمه امید ساعدی، نشریه حقوق اساسی، س ۲، ش ۳، ص ۲۱۵-۲۷۳.
- [۱۵] معنوی پور، داوود؛ پاشاشریفی، حسن (۱۳۸۳). «ساخت و هنجاریابی مقیاس سنجش رشد اعتقادی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، س ۳، ش ۹، ص ۱۲۰-۱۳۷.
- [۱۶] موسوی، میرنجف؛ حسینی، محمد (۱۳۹۰). «سنجش درجه توسعه‌یافتگی و محرومیت مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی»، گزارش نهایی طرح تحقیقاتی، دانشگاه ارومیه.
- [۱۷] نبی‌زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴). «بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان»، پژوهش زنان، دوره ۳، ش ۳، ص ۱۵۵-۱۷۵.
- [18] Bottana.N (1996). Indicators of the performance of Educational systems, IIEP No.4, Paris: Unesco.
- [19] Brooks R.C.(2011). Are Schools the Great (Noncognitive Skills) Equalizer? Thesis Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts in the Graduate School of The Ohio State University, Graduate Program in Sociology, The Ohio State University.
- [20] Ferdaush, J and Mustafizur K. M. (2011). Gender Inequality in Bangladesh , Unnayan Onneshan.
- [21] Foster, p. and Gomm, r. and Hammersley, M.(2004). Constructing educational inequality: an assessment of research on school process, Flamer Press. London. Washington. D.C.
- [22] GERESE (2005). Equity of the European Educational Systems. A set of indicators. European Educational Research Journal, 4(2).
- [23] Hutmacher, W. In Pursuit of Equity in Education: Using International Indicators to Compare Equity Polices,Mimeo, 2001.
- [24] Louzano .Paula(2001). Developing Educational Equity Indicators in Latin America, Oficina Regional de Educación para América Latina y el Caribe, UNESCO Santiago.OREALC/2001/PI/H,18.
- [25] NCES(2000). Monitoring School Quality: An Indicators Report,U.S. Department of Education, Office of educational Reseaech and Improvement .National Center for Education Statistics.

- [26] Reagle, CH (2006). Creating Effective Schools Where All Students Can Learn, Western Washington University. The Rural Educator – Vol. 27, No. 3 Summer pp.24-33.
- [27] Samons.p (2010). school effectiveness and equity: making connection, CFBT, education trust.
- [28] UNISEF(2012). BASIC EDUCATION AND GENDER EQUALITY,Thematic Report 2012.
- [29] Van Damme., DeFraine, B., Van Landghem, G., Opdenakker, M.,C., & Onghena, P.(2002). A new study on educational effectiveness in secondary schools in Flanders; An introduction. School Effectiveness and School Improvement,vol.13, No.4.
- [30] Vignoles. A & Meschi. E (2010). The Determinants of Non-Cognitive and Cognitive Schooling Outcomes. Report to the Department of Children, Schools and Families. CEE Special Report 004.
- [31] Zeng, J. & Pang,X& Zhang,L ,& Medina ,A and Rozelle, S.(2013). Gender inequality in education in China: a meta-regression analysis, Contemporary Economic Policy.

